

فاطمی‌احمدی  
روزنامه‌نگار

سیدمحمد حجازی (۱۳۵۲-۱۳۷۹) از نسل اول داستان‌نویس‌های ایران است. او در عمر ۷۳ ساله خود که بیشتر آن را در سیاست و روزنامه‌نگاری به سر برد، بیش از بیست رمان و نمایشنامه و کتاب پژوهشی تالیف و ترجمه از خود به جای گذاشت. برخی از کتاب‌های او جایزه کتاب سال ایران را نیز دریافت کردند. به‌تازگی نشر امیدفردا، دوتا از مهم‌ترین آثار حجازی به‌نام «هما» و «سرسک» را منتشر کرده‌است.

اولین رمان محمد حجازی «هما» نام دارد که در سال ۱۳۰۴ منتشر شد. هما داستان زنی فرشته‌خو و زیبا و در سطحی بالاتر از زنان روزگار خود قرار گرفته‌است: زنی که تحصیلات کافی دارد و کتاب می‌خواند. داستان در تهران و قزوین اواسط دهه ۱۳۹۰ می‌گذرد.

حسنعلی‌خان که مردی تحصیل کرده و روشنفکر است، پس از مرگ دوست صمیمی خود محمدعلی سرپرستی همسر و دختر او را به عهده می‌گیرد و با مختصر عایدی‌اش وظیفه را انجام می‌دهد. پس از هشت سالی که از این واقعه می‌گذرد، او شخصاً بر تحصیل و تربیت هما -دختر زیبارو و مستعد محمدعلی- اهتمام و نظات می‌نماید. داشتن زنی زشت‌خوی و بدسیرت انگیزه دیگری است تا او هم‌وغم خود را بیشتر صرف این مسئولیت کند. در ادامه از یک سو با از دست دادن عایدی حسنعلی‌خان و تمایل او به سمت هما و از سمت دیگر پیدایشن خواستگار برای هما، داستان سمت‌وسوی دیگری می‌گیرد...

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «صبح زود طلعت‌خانم بیدار شد و هم‌را در رختخواب خود نیافت، دیوانه‌وار همه جا تجسس می‌کرد، از صدای رفت‌وآمد او شیخ بیدار شد و هم‌راسان به هر گوشه‌ای سر زد تا بالاخره دید که در حیاط باز است، دانست که هما از خانه بیرون رفته، فطرت حیوانی‌اش از زیر پرده تزویر و ریا ظاهر شد و حال دردنگی گرفت. طلعت‌خانم را مستول و شریک جرم دانست و از هیچ گونه بی‌احترامی و دشنام فرو گذار نکرد. مادر بیچاره گریه می‌کرد، می‌گفت شما حق دارید، تقصیر با من است، نمی‌بایستی خواب مانده باشم و در دختر نازنین غافل بشوم. شما چرا دخترم را ترسانید، این حرف‌های دیشب چه بود، دختر من نامزد دارد، زن شما که نمی‌شود!»

«سرسک» یکی از مشهورترین و شاید مهم‌ترین اثر محمد حجازی باشد. این رمان در سال ۱۳۳۲ منتشر شد و کتاب سال آن زمان را نیز از آن خود کرد. باین‌حال کمیساروف منتقد روسی در آن زمان به شباهت زیادی که میان این اثر و رمان «ترز راکن» امیل زولا در داستان‌نویس فرانسوی است اشاره کرده بود.

داستان «سرسک» در نیمه اول سده بیستم میلادی در آمریکا می‌گذرد. راوی داستان به دعوت دوستش که یک مستشرق آمریکایی است به رستورانی می‌رود و در آنجا با زنی بسیار زیبا که با همسرش سر میز دیگری است، برخورد می‌کند. مستشرق آمریکایی که به این موضوع پی برده است، شرح حال آن زن و مرد را که به قلم خود نگاشته شده و انتشار یافته در اختیار دوستش قرار می‌دهد و او مدتی پس از مطالعه این حکایت که قسمت مفصل آن را شوهر و باقیمانده مختصر آن را زن نوشته است، به یاری حافظه به نقل آن می‌پردازد. آن زن و شوهر، ویلیام و لیدا نام دارند.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «مثل پلنگ زخمی نعره زدم و دستم رفت که گردنش را بگیرم و بشمارم، ناگهان یکی از آن نگاه‌های آسمانی‌مادین، همچو چشمه مهر، بر دلم تابید و دستم را فرود آورد. برخاستم و رفتم در اتاق کارم نشستم و کاغذ مالدن را که لیدا دوباره کرده بود، از کشو در آوردم و می‌خواندم که لیدا وارد شد و کاغذ را از دست من کشید و صدپاره کرد، فریاد می‌زد که ای ظالم، ای بی‌همه چیز، تو که عاشق مادنی و می‌خواهی مرا طلاق بدهی و او را بگیر، چرا من بیچاره را از میچلی تروتمندم بازداشتی!»

«تاریخ تاریخها»؛ روایتی از درک و فهم بشر از ۲۵۰۰ سال تاریخ است

## درک گذشته برای آینده‌ای بهتر



**آرمان ملی** - گروه ادبیات و کتاب: طی سال‌های اخیر تاریخ بشر به روایت ساده‌وارد بازار کتاب جهان شده‌است؛ یکی از بهترین کتاب‌هایی که بازار کتاب را تسخیر کرد، «تاریخ تاریخها» (از هرودوت و توسیدید تا قرن بیستم؛ حماسه‌ها، رخدادنامه‌ها، عاشقانه‌ها و جستارها) نوشته جان بارو (۲۰۰۹-۱۹۳۵) یکی از بزرگ‌ترین تاریخ‌نگارهای قرن بیستم بود. این کتاب در سال ۲۰۰۷ منتشر شد و مورد ستایش بسیاری از نثریات قرار گرفت و سپس به زبان‌های دیگر ترجمه شد، از جمله فارسی؛ ترجمه حسن افشار در نشر مرکز.

آنچه می‌خوانید نگاهی به این کتاب است.

عمران دسترس

منتقد



به کندوکاو در روایت‌های معرف وقایع مهم تاریخی می‌پردازد و به ما نشان می‌دهد که آنها از روزگار خود و از روزگار ما چه می‌گویند. علاوه بر این، باید خاطر نشان کرد که بارو به صراحت خود را از مقابله با تاریخ‌نگاری چینی یا اسلامی به دلیل عدم تخصص رها می‌کند. جان بارو با برخورد با تاریخ نه به‌عنوان یک پیکری منفرد، بلکه به‌عنوان جنبه‌ای از جامعه بشری و بخشی اساسی از فرهنگ اروپا و آمریکا برای مخاطب حرف جدیدی به همراه دارد. او ویژگی‌های متمایز موجود در کار مورخان از مصریان باستان و یونانیان تا به امروز را توضیح می‌دهد، از جمله لیویوس، تاکیتوس، فروسارت، کلاراندون. نویسنده هدفش این است که نشان دهد تاریخ نباید یک رشته دانشگاهی باشد، بلکه باید مشابه یک تاریخچه‌ای از انتخاب‌ها باشد؛ انتخاب گذشته‌ها و ایجاد راه‌های معین، تحقیق، ارائه و حتی گاهی اوقات موختن آنها به دلیل تغییر سیاسی، مذهبی، فرهنگی، شرایط حزبی و منفردها، جان بارو همچنین قصد دارد، در کم از نقاط عطف مهم تاریخ را تغییر دهد، و اجازه دهد ایده‌هایی که مورخان درباره زمان خود و تمدن‌های بنیانگذار خود داشته‌اند، با طراوت و انتظاراتی غیرمنتظره ظاهر شوند. بارو استدلال می‌کند که نگاه به تاریخ تاریخ‌ها یکی از جالب‌ترین راه‌های است که باید برای درک گذشته داشته باشیم.

از نظر بارو «تاریخ خود جالب‌تر از جزئیات تحقیقات تاریخی است.» او و این کتاب برای ما جذاب و سرزنده‌تر می‌کند. اصل داستان به یک موضوع آکادمیک می‌پردازد، اما این یک کتاب برای عموم خوانندگان است. مقدمه و پیشگفتار با لحنی خشک و بی‌سروصدا با تکنیک‌های تاریخی سروکار دارد و ممکن است خواننده در همان ابتدا نگران باشد که شاید با متنی سنگین سروکار دارد، اما در شروع فصل اول متوجه می‌شوید که نه چنین نیست و کتاب به‌سرعت پیش می‌رود و فاشگلیرتان می‌کند. بارو مورخان و داستان‌های آنها را زنده می‌کند، تاجایی که احساس می‌کنیم شاید دوست قدیمی ما باشند. بنابراین اگر به تاریخ یا کار تحقیق و نوشتن تاریخ علاقه دارید، باید این کتاب را

### کتاب داستان

انکار می‌شود: «مرد سال‌های زیادی را تنها بوده و همه را حذف کرده‌است از زندگی‌اش، خانواده و دوستانش را پناه برده‌است به خلوت خودخواسته‌اش. خواسته است خودش را بسپارد به دست فراموشی؛ غرق شود در آن، بلکه بتواند گذشته‌اش را فراموش کند...»

اما این ملاقات زمینه آن را فراهم می‌کند که مرور گذشته از نقطه عزیمت حال، مواجهه‌ای با وقایع و خود با نوعی رفوت‌برگشت میان گذشته و حال صورت پذیرد. این رودررویی تاریخی بخش‌های تکه‌تکه‌شده روح را که در اثر فشار حوادث گریخته‌اند احضار می‌کند تا رخداد‌های عینی محصور در زمان گذشته را مورد بازبینی و تامل قرار دارد، هر چند که «نه من گذشته دیگر وجود دارم، نه «او»ی گذشته؛ هر دو تلف شده‌اند. تلف شده‌ایم.» در واقع این بیگانگی در گذشت زمان انباشته شده و شاکله مفاهیم ذهنی شخصیت‌ها را تشکیل داده‌است. بزرگ‌ترین تعلیق داستان همان اسمی است که بر عنوان کتاب گذاشته شده: سمیر «او». شخصی که هیچ اطلاع دقیقی از آن در اختیار قرار نمی‌گیرد، هست و نیست، حضورش در گذشته محسوس است، در جای جای خاطر‌های متوالی از او یاد می‌شود و اما در عین حال نمی‌شناسیمش. کسی که سرنوشتش گویی‌گر خورده با سرنوشت تمام شخصیت‌هایی که از آنها نام برده می‌شود یا می‌تواند هر کدام از آنها باشد که مدام در روایت‌های متفاوت جای یکی‌شان می‌نشیند. یک ضمیر معلق و شناور که دیگر نسبت و اتفاقا همین فقدانش مساله اصلی داستان را شکل می‌دهد؛ گذشته‌ای که نیست، آویی که نیست، آدم‌هایی که نیستند و اگر حضور دارند هم باز چیزی از خود را در گذشته دفن کرده‌اند.

رمان «او» روایت از دست‌دادن هاست؛ از دست‌دادن انگیزه‌ها و امیدها، از دست‌دادن آدم‌ها و مرگ، از دست‌دادن هویت و از خودبیگانگی و از دست‌دادن هر آن چیزی است که می‌تواند موتور محرکی برای ارتباط با دنیای بیرون باشد. در جغرافیایی که «او» می‌سازد هیچ نقطه روشنی وجود ندارد و سر تا سر تلخی و سمراسات، هر چند که گاهی پرده‌ها برای آمدن نور باز می‌شوند، لبخندی روی لب‌ها می‌نشینند و لحظه‌های کوتاهی برای دلخوشی بابت یک تصویر یا اتفاقی گذرا پدید می‌آید، اما همه اینها به حیات کواهاشان ادامه می‌دهند و غیب می‌شوند چون سایه‌ها و گذشته جان‌دارتر از آنند که مغلوب این بازی‌های روزمره شوند.

**نام کتاب:** او  
**نویسنده:** زاهد بار خدا  
**ناشر:** روزبهان

بخوانید. به عبارتی، کتاب تاریخ تاریخ‌ها شما را تحریک می‌کند تا نوشته‌های اصلی تاریخ‌نگاران را بخوانید. نیوغ بسیار محکم و تاثیرگذار بارو به طرف عمل، رویدادها و اقدامات افراد می‌رود، نه‌نظر به‌پردازی ساختارها، فرایندها، گروه‌ها و نیروها. البته از هیچ تاریخ‌نگاری نمی‌توان انتظار داشت که هر آنچه مربوط به میحث کلی اوست را پوشش دهد و بارو کاملاً موجه است که خود را از این بار غیر معقول معذور بداند. اگر سوگیری در برابر تئوری و محدودیت‌های فضای اجتناب‌ناپذیر را کنار بگذاریم، توجه‌نکردن به تاریخ برده‌داری و دموکراسی و ناپدید‌گرفتن هر نوع تاریخ زنان از جمله ایرادهایی است که می‌توان به کتاب «تاریخ تاریخ‌ها» بارو گرفت. اما در نقطه مقابل، همانطور که چشمگیر به‌نظر می‌رسد، از روش پلوتارک برای مقایسه توسیدید در برابر هرودوت، بر سکات در مقابل دیاز، اکنون در برابر استابس استفاده می‌شود و مهم‌تر از همه، انتقال روایت بین سنین و موضوعات را به‌گونه‌ای مدیریت می‌کند که ماکابولتی شرمند

می‌شود. آگاهی از اینکه نوشتن تاریخی به همان اندازه یک فعالیت فرهنگی است، کتاب جدید و جذاب جان بارو را اثری در خشان نشان می‌دهد. بارو یک مرجع برجسته در تاریخ فکری قرن ۱۸ و ۱۹ است. اکنون در زمان نابزشتگی، او به‌رئایب‌فراز از قلمرو معمول خود دست به کار شده تا بتواند تاریخ دو و نیم هزار سال گذشته را ارائه دهد. او با استفاده از مورخان در اروپا و آمریکا شمالی و توجه بیشتر به کسانی که به انگلیسی نوشتند، کار خود را کمی

### درباره کتاب «بیگانه» نوشته استفن کینگ

## عجیب و شگفت‌انگیز

منیره بولادوندا

مترجم



استیون کینگ یکی از پرفروش‌ترین و پرکارترین نویسنده‌های جهان است که میلیون‌ها نسخه از آثارش در سراسر جهان فروش رفته‌است. او بیش از شصت رمان نوشته که بسیاری از آنها به سینما راه یافته‌است. کینگ خود را در موقعیتی منحصر‌به‌فرد می‌بیند: کتاب‌هایش که هنوز در دست چاپ است، بسیار رشک‌برانگیز است و طرفداران متخصصین از او داستان‌های دلپره‌آور و جذاب بیشتری، که کینگ برای گفتنش مشهور است، می‌خوانند. پس چطور می‌تواند خوانندگانش را دوباره شگفت‌زده کند؟ خوانندگان جدیدی را جذب کند؟ چگونه در مقام نویسنده خودش را غافلگیر کند؟

طی چند سال گذشته، کینگ تجربیاتی کسب کرده‌است. دنباله‌ای بحث‌برانگیز برای مشهورترین رمانش، «درخشش»، نوشته‌است: «دکتر اسلپ» (۲۰۱۳) که کینگ در آن از سستی نسخه اول به نفع داستانی که مبتنی نوشتن آن است، دوری می‌کند. او سه‌گانه رمان‌های جنایی بیول هاجز را نوشته‌است که در آنها قصد داشت از به‌کار بردن عناصر ماوراءطبیعی اجتناب کند (تقریباً در دوتای از این رمان‌ها قصدش را عملی کرد).

باین‌وصف، به‌نظر می‌رسد «بیگانه» پرفروش‌ترین رمان کینگ و یکی از بهترین‌های او باشد. زمانی که تری میتلند-مربی بیسیال نوجوانان، مردی متاهل و از محبوب‌ترین افراد شهر - به قتل هولناک پسر بچه‌ای متهم شده، دستگیری می‌شود و مردم شهر علیه او برمی‌گردند. (همان‌گونه که هر کدام از شخصیت‌ها در قسمتی از داستان، می‌گویند: «مربی بسرم بود!» مربی نوام بود!) مسئول پرونده کاراگاه رالف اندرسون است، مردی که تری را دوست دارد و باور نمی‌کند که او مرتکب چنین قساوتی شده باشد، اما در عین حال می‌داند که همه شواهد، گواه بر مقصودن تری است. داستان از روایت سوم شخصی که ظریف و دلپزیرانه از ذهن کینگ می‌گذرد، به‌متن اظهارات رسمی از کارکنان اصلی در پرونده داستانی تغییر جهت می‌دهد، یک تغییر صوری است که به تأیید اظهارات و خلاصه روزنامه‌ها اشاره می‌کند، کاری که کینگ در اولین رمانش «کری» انجام داده‌است.

برونده حقوقی جنایی‌ای که بسیار دقیق تنظیم شده، قسمت عمده‌ای از کتاب را تشکیل داده، زیرا تحقیقات کارآگاه اندرسون و داستان ایالتی کامل بوده و شواهد و مدارک زیادی گردآوری کرده‌اند. اما کارآگاه و داستان با مشکلی اساسی روبه‌رو هستند:

راحت‌تر می‌کند. نتیجه یک کتاب بسیار لذت بخش است، که مبتنی بر تعداد زیادی مطالعه جذاب و پر از مشاهدات حاد و اغلب بسیار شوخ است. هر کسی که می‌خواهد بداند چه نوشتار تاریخی به فرهنگ انسان‌ها کمک کرده، باید از اینجا شروع کند.

برخی از خوانندگان ممکن است با دیدن اینکه یک‌سوم این کتاب به مورخان یونان باستان و روم اختصاص یافته‌است، متعجب شوند. اما بارو دلیل خوبی برای این تصمیم دارد. از نظر او، دو مورخ بزرگ یونانی پنج قرن پیش از میلاد معیاری را تعیین کردند که برای ۲۰۰۰ سال آینده از آن استفاده شد. یعنی هرودوت روایتی حماسی از جنگ‌های یونانی و ایرانی را با تحقیقات جغرافیایی و قوم‌نگاری از نوعی که پیش‌بینی تاریخ انسان‌شناسی دوران معاصر را ترکیب کرده‌است. توکیدید از جنگ بین آتن و اسپار تا گفت؛ از نظر بارو «هیچ هوش شفاف و بی‌خیالی هرگز در نوشتن تاریخ اعمال نشده‌است.» بنابراین او بر این باور بود که تاریخ، هدفش حقیقت است، نه داستان صرف. بارو برخی از نقاط عطف اصلی در تاریخ خود را مشخص می‌کند. نخست آمدن مسیحیت بود. این جهت جدیدی به تاریخ بخشید و کار مشیت خدا را به یک موضوع اصلی تبدیل کرد. همچنین نقش‌ونگارهای افراد بارگزیه تحت الگوی مکرر تجاوز، مجازات و راهی را فراهم آورد. دومین نقطه عطف، آمدن در اوایل دوره مدرن انسان‌گرایانه بود. که تحقیقات مهم در زمینه اسناد و بقایای باستان‌شناسی را تحریک کرده و پایه‌های تاریخ گسترده‌تری از جامعه و فرهنگ بشری را بنا نهاد. سومین نقطه، «تاریخ فلسفی» عصر روشنگری، با محوریت پیشرفت تجارت و جامعه مدنی بود. بارو پیشنهاد می‌کند «تاریخ سلطنت امپراتور چارلز پنجم» از «اولین اثر مدرن تاریخ» است. چهارمین نقطه عطف، آمدن در قرن نوزدهم تاریخ حرفه‌ای بود که توسط دانشگاهیان حقوق‌گیر و با رعایت استانداردهای سختگیرانه اثبات و مستندسازی تهیه شده بود.

بارو مختصراً شرح می‌دهد که چگونه این تاریخ‌نویس حرفه‌ای، که از آلمان آغاز شده و در ابتدا سرگرم کشور ملی بود، در اواخر قرن بیستم گسترش یافت تا تاریخچه کم‌وبیش هر چیزی از جادوگری‌ها را بپذیرد.

او گفت: «همه مورخان آنچه را که تاریخ مورد علاقه آنها است را انتخاب می‌کنند، اما لازم نیست این انتخاب جهانی شود و اجباری شود.» علاوه بر شناسایی تغییرات اصلی در رویکرد گذشته، او بارو می‌خواهد نشان دهد که چرا خواندن آثار مورخان بزرگ گذشته هنوز لذت‌بخش است. او انتخاب قابل‌تحمینی از نویسندگان می‌کند، آنها را در متن قرار می‌دهد و آزادانه از آثار آنها نقل قول می‌کند: «این کار را چنان موثر انجام می‌دهد که نسخه‌های اصلی عجله‌کنند با حداقل به‌دنبال برخی سبب‌های این خوانندگان می‌خواهند برای خواندن نسخه‌های اصلی عجله‌کنند با حداقل به‌دنبال برخی از مجموعه‌های عالی مانند توکیدید در مورد طاعون آتن در سال ۴۳۰ پیش از میلاد باشند، که بارو به حق را یک اتفاق درجه‌یک قلمداد می‌کند.

بارو در کتاب «تاریخ تاریخ‌ها» بسیار موفق عمل کرده‌است، زیرا در طراوت خاصی پاسخ مخاطب را می‌دهد. او کارش را برای خواننده عمومی و غیر تخصصی بسیار زیبا و خواندنی به نگارش درمی‌آورد و خواسته‌های ذهنی مخاطب را در نظر می‌گیرد. او مانند کسانی است که می‌توانند هنگام نوشتن درباره متونی که اخیراً خوانده‌اند، در بهترین حالت خود باشند. البته، در داستان بارو خلاهای قابل توجهی هم وجود دارد. به‌عنوان مثال، ساموئل راسون گاردینر، بزرگ‌ترین مرجع قرن ۱۷ انگلیس کجاست؟ یا تئودور موسمن، مورخ حیرت‌انگیز روم باستان؟ اما «بیگانه» به طرز آراو به‌عنوان «از برجسته تاریخ قرن ۲۱» است و تاکنون نامزد جایزه‌های بزرگی شده‌است.

### کتاب رمان

تری عذر و بهانه‌ای موجه دارد، او دقیقاً در زمان وقوع قتل، گفت‌وگوی ویدیویی ضبط‌شده‌ای به‌رالن کوین در یک شهر دیگر دارد. جدای از این توصیفات، این رمزروازی واقعا فریبنده است، رمزروازی که منحصر در بسیاری از تریله‌های جنایی و رمزالود و داستان‌های جنایی که از نظر پزشکی قانونی متداول‌تر است به‌کار برده می‌برد.

سیس، مانند اغلب رمان‌های کینگ، زیر پای خواننده خالی می‌شود؛ خواننده در تعلیقی فراموشی‌رود و همان‌گونه باقی می‌ماند، ولی خوب عذر و بهانه تری همچنان باقی‌است، تا اینکه اندرسون با کمک هالی گبنی، شخصیتی که از سه‌گانه بیول هاجز وام گرفته شده، اقدام به بازکردن ماجرای معماگونه تری می‌کند.

از آن زمان به بعد، رمان به مکان‌های عجیب و غریب سفر می‌کند - یعنی از آن مکان‌ها تعریف می‌کند، کینگ، عناصر ماوراءطبیعی را تا اندازه‌ای در برخی از محبوب‌ترین آثارش به‌کار برده، به‌ویژه‌او به شیوه‌ای مهم، آن عناصر را آن‌گونه‌ای که هستند منتقل می‌کند. کینگ همیشه می‌دانسته‌است که راز - معما - ترسناک‌تر از کشف حقیقت است.

اما در رمان «بیگانه»، شخصی که بیگانه لقب گرفته قوی‌ترین حضورش در این کتاب نیست. جنبه‌ای سیاسی که پنهان و فریبنده است، در سراسر داستان وجود دارد؛ از ذکر، جنبش زندگی سیاهان از رشدن است تا حضور سایبورگ دونالد ترامپ و فراخواندن جمعیتی که کلاه‌های «عظمت را به آمریکا برگردانید» به سر کرده‌اند و از جان تری دفاع می‌کنند. کینگ همچنین نحوه رفتار جامعه با متجاوزان جنسی را مورد بررسی قرار می‌دهد. شما می‌توانید «بیگانه» را همانند برداشت کینگ از اخبار جعلی درآیید و آن را از قلمرو سیاسی به چیز خاص‌تری نسبت دهید. دروغ همانند حقیقت فروخته می‌شود: این برداشت چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟ در تمام آثار داستانی، چندین صفحه طول می‌کشد تا مروربودن داستان شروع شود، احساس عجیب و غریبی در کل رمان وجود دارد، ولی سرانجام، عناصر وحشتناک‌تر زمانی از راه می‌رسند که دیگر نمی‌توانند غافلگیر کنند. اما «بیگانه» به طرز آراو کینگ دقیقاً همان چیزی را می‌دهد که آنها می‌خواهند، اینکه درست در همان زمانی که دوست دارند به دل‌آیدهای نو بروند، این رمان شگفت‌انگیز، اثبات می‌کند که رمان‌های کینگ همان قدر قوی هستند که تا به حال بوده‌اند.

**نام کتاب:** بیگانه

**نویسنده:** استفن کینگ

**مترجم:** سعید دوج

**ناشر:** روزگار

